

## پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی جنگ ژوئیه

ایوب پورقیومی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۸/۱۳

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۹/۲

صفحات مقاله: ۷۹-۱۱۳

### چکیده

«جنگ ژوئیه»<sup>۲</sup> در ادامه‌ی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و پس از بن‌بست در طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، با افق نابودی یا تضعیف بیداری اسلامی در منطقه و فشار بر جمهوری اسلامی و متحدان آن یعنی حزب‌الله، حماس و سوریه آغاز شد. احساس مشترک غرب به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی از خطرات منطقه‌ای، تلاش برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و بهبود روابط آن با اعراب، جلوگیری از تقویت جایگاه ایران در منطقه، از جمله اهداف اصلی این جنگ بود. مقاومت و ایستادگی حزب‌الله لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی در این جنگ موجب شد که به‌رغم عدم تأمین اهداف و خواسته‌های آغازگران جنگ، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی آن نیز برای آنها سنگین باشد و ناچار شوند قطب جدیدی از قدرت را برای مقابله و مهار کانون بیداری اسلامی (ایران) ایجاد نمایند.

۱ - کارشناس ارشد مطالعات دفاعی و استراتژیک، مدرس مجتمع دانشگاهی شهید مطهری  
۲ - جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان به نام‌های دیگر از جمله جنگ ۳۴ روزه و جنگ تموز نیز نامیده شده و در لبنان معروف به جنگ ژوئیه و در سرزمین‌های اشغالی معروف به جنگ دوم لبنان است.  
(www.fa.wikipedia.org)

## کلید واژگان

خاورمیانه، هژمونی آمریکا، جنگ ژوئیه، بیداری اسلامی، قطب جدید قدرت

### مقدمه

با کمی تأمل می‌توان جنگ ژوئیه را در ادامه‌ی روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر تحلیل کرد. پس از قرار گرفتن مسأله‌ی مبارزه با تروریسم به‌عنوان «اصل سامان بخش»<sup>۱</sup> سیاست خارجی آمریکا و سقوط رژیم‌های طالبان و صدام، طرح «خاورمیانه‌ی بزرگ»<sup>۲</sup> با شعار دموکراسی‌سازی در دستورکار نومحافظه‌کاران آمریکا قرار گرفت، اما به دلایلی از جمله عدم شناخت کافی آنها از مسائل خاورمیانه و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان و نگرانی متحدان سنتی آمریکا از عواقب این طرح، با چرخشی آشکار نگاه آمریکا به خطرات و مسائل منطقه دگرگون و مقابله با بیداری اسلامی در دستور کار آنها قرار گرفت. از آنجا که مقابله‌ی مستقیم با کانون اصلی بیداری اسلامی (ایران) دارای خطرپذیری بالایی بود، برخورد با بازوان و حامیان منطقه‌ای ایران به‌عنوان گام نخست مورد توجه قرار گرفت و با توجه به نگرانی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی نسبت به قدرت‌یابی حزب‌الله لبنان - یکی از متحدان اصلی ایران -

۱ - ر ک به: کیوان حسینی، سید اصغر، «مبارزه با تروریسم و سامان بخشی به سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۰-۴۱ (تهران: پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، صص ۲-۲۳.

۲ - برای اطلاع بیشتر از واقعیت‌های این طرح، ر ک به:

- حسینی، حسن، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳).

- یونسین، مجید، کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ۱۳۸۵).

- امینیان، بهادر، «آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات» مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴ (تهران: پاییز ۱۳۸۳)، صص ۲۶-۷.

برخورد با این جریان در اولویت قرار گرفت.

این جنگ که به بهانه‌ی آزادسازی دو نظامی رژیم صهیونیستی و با تهاجم هوایی گسترده‌ی رژیم صهیونیستی در ۱۲ جولای (۲۱ تیر ۱۳۸۵) آغاز گردید، واکنش حزب‌الله را در پی داشت. این حزب با حمله‌ی موشکی به سرزمین‌های اشغالی و درگیری با نیروهای متجاوز در جنوب لبنان و هدف قرار دادن ناوچه‌ها و تانک‌های رژیم صهیونیستی پاسخی مناسب به دشمن داد. سؤال این است که پیامدهای این جنگ در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی چیست؟ این مقاله در صدد است پاسخی مناسب برای این پرسش ارائه نماید.

### پیامدهای جنگ ژوئیه

این جنگ درس‌ها و پیامدهای بسیار مهمی در سطوح مختلف لبنان، رژیم صهیونیستی، منطقه‌ای و بین‌المللی در برداشت که در این مقاله درس‌ها و پیامدهای آنها را در دو سطح اخیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### پیامدهای جنگ در سطح منطقه‌ای

در خصوص مهم‌ترین درس‌ها و پیامدهای جنگ در سطح منطقه‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### ارتقاء جایگاه حزب‌الله و مقاومت در جهان عرب

پیروزی راهبردی حزب‌الله، جایگاهی اسطوره‌ای و باورنکردنی در جهان عرب برای این جنبش شیعی به وجود آورده و اکنون این جنبش، نقش الهام بخشی برای جهان عرب دارد. حزب‌الله برای اولین بار با مقاومت سرسختانه و تحمیل شکست به ارتش رژیم صهیونیستی، روح امید و اعتماد به نفس را در جوانان و مبارزان جهان عرب ایجاد نمود. روزنامه‌ی رژیم صهیونیستی جروزالم

پست نوشت: «حمایت از حزب‌الله بیش از هر زمان دیگری است و همین مسأله آن را به مراتب به مهم‌ترین نیروی سیاسی و نظامی در لبنان تبدیل می‌کند.» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۸/۲۴) روزنامه‌ی نیویورک تایمز نیز حمایت کاخ سفید از رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه را عامل تبدیل حزب‌الله لبنان به قهرمان جهان عرب دانست. (۱۳۸۶/۱/۱، Persianblog.com) هم‌چنین روزنامه‌ی «الدیار» گزارش داد، عبدالله دوم پادشاه اردن و حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر از میزان حمایت مردم منطقه به‌خصوص مردم مصر از حزب‌الله غافلگیر شدند و حسنی مبارک به عمر سلمان رئیس‌اطلاعات مصر دستور داد تا با تشکیل پرونده‌ای جامع در این‌باره موضوع محبوبیت سیدحسن نصرالله را بررسی کنند. براساس این گزارش موارد بررسی شامل بررسی شخصیت سیدحسن نصرالله، چگونگی فرایند تصمیم‌گیری وی، نحوه‌ی تعامل وی با شورا، رهبری حزب و نیز رزمندگان، دلایل اطمینان و اعتقاد رزمندگان حزب‌الله به رهبری نصرالله می‌باشد. «الدیار» اضافه کرده است که دستگاه‌های اطلاعاتی عربستان سعودی نیز درصدد تهیه‌ی گزارش ویژه در این‌باره برای ملک عبدالله پادشاه عربستان هستند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۶/۱۲)

مجبور شدن رژیم صهیونیستی به هشتمین و مهم‌ترین دور از مبادله‌ی اسرا با حزب‌الله لبنان نیز در ارتقاء جایگاه حزب‌الله و مقاومت تأثیر بسزایی داشت. رژیم صهیونیستی در زمان جنگ اعلام کرده بود که پیش از تحویل گرفتن دو نظامی اسیر خود،<sup>۱</sup> جنگ را متوقف نخواهد کرد. در مقابل حزب‌الله اصرار داشت که این دو

۱ - حزب‌الله در عملیات «وعده صادق» در تاریخ ۱۲ جولای ۲۰۰۶ (۲۱ تیر ۱۳۸۵) به مرز فلسطین اشغالی در شهرک صهیونیست‌نشین «شتولا» در جوار روستای «عبت الشعب» لبنان حمله برده و با انهدام یک دستگاه خودرو نظامی «هامر» و به هلاکت رساندن ۳ تن از نیروهای آن، ۲ نیروی احتیاط تیپ پنج ارتش اسرائیل را به اسارت گرفت. (www.ommatnews.ir، ۱۳۸۷/۴/۶)

نظامی را فقط در تبادل اسرا به رژیم صهیونیستی تحویل خواهد داد و سرانجام توانست رژیم صهیونیستی را به پذیرش این امر وادار نموده و در مقابل تحویل اجساد دو نظامی اسیر رژیم صهیونیستی و باقی‌مانده‌ی اجساد نظامیان کشته شده در جنگ ۳۳ روزه، پنج اسیر لبنانی از جمله «سمیر قنطار»<sup>۱</sup> را به همراه پیکرهای حدود ۲۰۰ تن از شهدای حزب‌الله، دیگر گروه‌های مقاومت لبنانی و فلسطینی و برخی کشورهای عربی که در ۳۰ سال گذشته در مبارزه با رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده بودند، از رژیم صهیونیستی پس بگیرد. (۱۳۸۷/۴/۲۶، aftabnews.ir)

#### الگوبرداری از مدل مقاومت حزب‌الله در میان جنبش‌های اسلامی خاورمیانه

جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی می‌توانند با الگوبرداری از حزب‌الله، توان رزمی - عملیاتی خود را در برابر ارتش رژیم صهیونیستی افزایش داده و با تقویت توانمندی موشکی خود، جنوب سرزمین‌های اشغالی را با تهدید مواجه ساخته و با توجه به توان حزب‌الله در تهدید شمال سرزمین‌های اشغالی، در آینده می‌توان شاهد محاصره و در تنگنا قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در میان جنبش‌های اسلامی مسلحی بود که با بهره‌برداری از فناوری‌های جدید می‌توانند موجودیت این رژیم را مورد تهدید قرار دهند. (دل‌اورپور اقدم، ۱۳۸۶، aftab.ir) البته این امر فقط به جنبش‌های یاد شده منتهی نمی‌گردد و تمسک به نقاط قوت حزب‌الله، الگویی برای کلیه‌ی جنبش‌های چریکی جهان خواهد بود.

واشنگتن پست<sup>۲</sup> نوشت: «سیدحسین نصرالله فرماندهی ۴۶ ساله‌ی چریک‌های لبنانی است که سنگر امن خود را با عزم پولادین یک ژنرال ترکیب می‌کند تا

۱ - سمیر قنطار در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۵ توسط یک هیئت قضایی صهیونیستی به پنج بار حبس ابد و علاوه بر آن ۴۷ سال حبس محکوم شده بود. (۱۳۸۷/۴/۶، www.ommatnews.ir)

۲ - ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶

قواعد اختلاف سرزمین عرب اسرائیل را بازنویسی کند. او قدرتمندترین مرد خاورمیانه است. او تنها مرد جهان عرب است که واقعاً به آنچه می‌گوید عمل می‌کند." نیویورک تایمز نیز در تحلیل مشابهی نوشت: "مقاومت حزب‌الله لبنان به رهبری سیدحسین نصرالله شاید برای دنیای عرب، خاطره‌ی جمال عبدالناصر را زنده کند، ولی ناصر هیچ‌گاه حیفا و شمال اسرائیل را ناامن نکرده بود، یک میلیون و پانصد هزار آواره صهیونیست بر روی دست اسرائیل نگذاشته بود و استخوان‌های ساکنان تل‌آویو را از ترس موشک‌هایش نترکانده بود، و مهم‌تر این‌که یک اجماع جهانی برای خودش دست و پا نکرده بود." (سعادت، ۱۳۸۶، vijename.ommatnews.com)

ژنرال یوسی کوپرواسر رئیس اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با نیوزویک اعتراف کرد: "نصرالله با شجاعتش برای مقابله و ایشار، غرور از دست‌رفته‌ی اعراب را احیا کرد." (moqavemat.ir، ۱۳۸۵/۵/۳۰) ایندیندنت هم سیدحسین نصرالله را سمبل مقاومت در جهان نامید. (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۵، ۲۰) «عادل عوده»<sup>۱</sup> نیز در تحلیلی در روزنامه‌ی الاهرام نوشت: "حزب‌الله نمادی از انقلاب اسلامی ایران است و آمده است تا خلاً رهبری در جهان عرب را پر کند." (فرازمند، ۱۳۸۵، zionism.blogfa.com)

مرکز «ابن خلدون» مصر یک نظرسنجی انجام داد و بر اساس نتایج اولیه‌ی به‌دست آمده از آن ۷۵ درصد مردم اقدامات حزب‌الله را مورد تأیید قرار دادند و نصرالله نیز به محبوب‌ترین چهره‌ی عمومی در منطقه تبدیل شد. نکته جالب این‌که هیچ‌یک از سران کشورهای عربی در فهرست ۱۰ چهره محبوب منطقه‌ی عمدتاً عربی قرار نگرفتند.

۱ - نویسنده‌ی روزنامه‌ی الاهرام مصر

### پایان افسانه‌ی شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی و تقویت روحیه‌ی ارتش‌های عربی

در مورد پایان افسانه‌ی شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی و تقویت روحیه‌ی ارتش‌های عربی مطالب مفیدی در نشریات و رسانه‌های کشورهای مختلف نوشته شده است. سعد الدین ابراهیم در واشنگتن پست نوشت: "حزب‌الله در بیش از چهار هفته جنگ خود علیه رژیم صهیونیستی که قدرتمندترین ارتش نظامی در منطقه بود، خود را حفظ کرده و تحسین میلیون‌ها عرب و مسلمان جهان را برانگیخت، زیرا مردم منطقه مقاومت حزب‌الله را با شکست سریع ارتش‌های سه کشور بزرگ عربی در جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ مقایسه می‌کنند." (ابراهیم، ۱۳۸۵)

حزب‌الله لبنان رعب و وحشت ۶۰ ساله را که رژیم صهیونیستی در دل اعراب انداخته بود، از دل‌ها بیرون آورد. در همین رابطه روزنامه‌ی رژیم صهیونیستی «آحارنوت» نوشت: "همه‌ی آرزوهایمان بر باد رفت، می‌خواستیم خاورمیانه را تغییر دهیم، ولی آنچه به دست آمد قهرمانی حزب‌الله بود. روحیه‌ی ارتش‌های عربی تقویت شد و دیگر از رژیم صهیونیستی هراسی ندارند. نه تنها حزب‌الله از بین نرفت و تضعیف یا خلع سلاح نشد، بلکه تقویت شد و تثبیت شد و در آینده اثرگذاری بیشتری خواهد داشت." خبرگزاری رویتر نیز یادآور شد که "جنگ لبنان ابهت نظامی اسرائیل را نزد اعراب شکست." (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۶/۱۲)

### تلاش برای عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی

پس از پیروزی حزب‌الله، تلاش برای نزدیک شدن روابط سه کشور مصر، عربستان و اردن با رژیم صهیونیستی - در راستای طرح عادی‌سازی روابط - وارد مرحله‌ی جدیدی شد. سفر وزرای خارجه‌ی مصر و اردن به تل‌آویو به نمایندگی از طرف کمیته‌ی منتخب کشورهای عربی، افشای اطلاعاتی مبنی بر روابط پنهانی

عربستان با رژیم صهیونیستی، مطرح شدن احتمال دیدار مقامات ریاض با سران رژیم صهیونیستی، برقراری نشست اتحادیه‌ی عرب در شرم الشیخ و شرکت وزرای خارجه‌ی کشورهای عربی در کنفرانس آنابولیس و به دنبال آن سفر خاورمیانه‌ای بوش و... نشان‌دهنده‌ی تحرکات جدید برای عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی است. طرح عادی‌سازی روابط که از سال ۲۰۰۲ در دستور کار برخی کشورهای عربی بود، در بستر تحولات زیر چشم‌انداز جدیدی را به نفع رژیم صهیونیستی در منطقه رقم خواهد زد:

۱ - سران سه کشور مصر، اردن و عربستان تصور می‌کنند که رژیم صهیونیستی طرفدار صلح بوده و بی‌صبرانه تشکیل دو دولت مستقل فلسطین و رژیم صهیونیستی را انتظار می‌کشند و در همین راستا با آمریکا در برگزاری «کنفرانس صلح خاورمیانه»<sup>۱</sup> و پیگیری‌های بعدی این امر هم‌داستان شدند.

۲ - دنبال کردن گسترش روابط با رژیم صهیونیستی از سوی مقامات عربستان سعودی فرصتی بی‌نظیر را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده است؛ طبق گفته‌ی یکی از مقامات رژیم صهیونیستی مذاکرات رسمی با عربستان پس از صدور فتوای مفتی‌های سعودی در محکومیت مقاومت لبنان در جنگ ۳۳ روزه آغاز شده است. این موضوع که از دیدگاه روزنامه‌ی صهیونیستی یدیعوت آحارنوت با هدف تبادل نظر و هماهنگی ریاض - تل‌آویو در رویارویی با خطرات مشترک تهدیدکننده‌ی دو طرف یعنی خطر تشیع صورت می‌گیرد نشان می‌دهد که برخورد با تشیع از رابطه‌ی

۱ - کنفرانس صلح خاورمیانه (در انگلیسی: Mideast peace conference) نام کنفرانس صلحی است که در ۲۷ نوامبر سال ۲۰۰۷ در آکادمی نیروی دریایی آمریکا در شهر آنابولیس، ایالت مریلند آمریکا و با حضور رهبران مناطق خودگران فلسطینی و اسرائیل و نمایندگان کشورهای عربی و با میزبانی آمریکا برگزار شد. به غیر از چهار میانجی گروه چهارجانبه‌ی صلح خاورمیانه معروف به «کورتیت» که شامل آمریکا، روسیه، سازمان ملل و اتحادیه اروپاست، کشورهای اردن، مصر، عربستان سعودی، سوریه، لبنان و قطر از جمله مدعوین و شرکت‌کنندگان در کنفرانس صلح خاورمیانه بودند.

درونی برخی اعراب سنی با یکدیگر فراتر رفته و به مسأله‌ای در روابط اعراب و رژیم صهیونیستی و آمریکا تبدیل شده است. (۱۳۸۶/۵/۱۳، hadi.basirat.ir) در حالی که قبلاً نومحافظه‌کاران آمریکا و رژیم صهیونیستی رویکرد مناسبی به «طرح صلح عربی»<sup>۱</sup> نداشتند، پس از جنگ شرایط رژیم صهیونیستی و حکومت‌های وابسته‌ی عربی به گونه‌ای تغییر یافت که هر دو برای خروج از شرایط پیش‌آمده به این امر اقبال نشان دادند.

برنارد لوئیس در کتاب «خاورمیانه و غرب» می‌گوید: «ایالات متحده نباید با مجبور کردن اسرائیل به برقراری صلح، در صدد جلب همراهی اعراب برآید.» (دریفوس، ۱۳۸۵، parsckhabar.com)

تحت تأثیر این‌گونه دیدگاه‌ها تا قبل از جنگ ژوئیه تمایل چندانی در رهبران آمریکا به این امر مشاهده نمی‌شد، اما پس از جنگ رایس در مذاکرات چهارجانبه‌ی «آسوان» موضع متعادل‌تری از گذشته در قبال طرح صلح اتخاذ کرد و گفت: «نه من و نه دولت آمریکا، پیشنهاد نداده‌ایم که طرح صلح اعراب تغییر یابد، این ابتکار عمل خود اعراب است و اتحادیه‌ی عرب این حق را دارد که طرح را طبق خواست و نظرات خود ارائه کند.» پس از آن نیز آمریکا تلاش کرد با برگزاری کنفرانس آنابولیس، روند شکست خورده‌ی نقشه‌ی راه و «طرح صلح عربی»<sup>۲</sup> را مجدداً احیا نماید. هم-

۱ - این طرح از سوی امیر عبدالله پادشاه عربستان در اجلاس سال ۲۰۰۲ میلادی سران عرب در بیروت ارائه شد. اصول اساسی این طرح بر مواردی چون عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی به مرزهای ۱۹۴۷ میلادی حل و فصل مسأله‌ی پناهندگان فلسطینی بر اساس قطعنامه‌ی ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تشکیل کشور مستقل فلسطینی با مرکز بیت‌المقدس در مقابل عادی سازی روابط کشورهای عربی با تل‌آویو بنا شده است.

۲ - بر اساس طرح صلح عربی (طرح امیر عبد الله) که متن آن در اجلاس هشتم فروردین ۱۳۸۶ ه.ش در اجلاس ریاض قرائت شد، رژیم صهیونیستی شاهد عادی‌سازی روابط خود با سایر کشورهای عربی خواهد بود؛ مشروط بر این‌که این رژیم اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ را ترک کرده و با ایجاد کشور مستقل فلسطین موافقت کند.

چنین اولمرت در دیدار خانم مرکل، صدر اعظم آلمان گفت: "اسرائیل در برهه‌ی بسیار حساسی در اتخاذ تصمیمات مهم قرار گرفته است. ما از یک‌سودر مسیر مواجهه با تهدیدهای قابل توجه قرار داریم و از سوی دیگر، فرصت‌هایی را برای پیشبرد روند دیپلماتیک با کشورهای عربی داریم." (hadi.basirat.ir، ۱۳۸۶/۱/۲۳)

### تجهیز نظامی گسترده‌ی عربستان، مصر و رژیم صهیونیستی از سوی آمریکا

پس از سفر رایس و گیتس به خاورمیانه، روزنامه‌ی واشنگتن پست نوشت: "آمریکا قصد دارد ۲۰ میلیارد دلار اسلحه به عربستان، مصر و پنج کشور عربی حوزه‌ی خلیج فارس بفروشد و طرحی مبتنی بر پشتیبانی نظامی از قاهره و تل‌آویو به مدت ۱۰ سال را مد نظر دارد که شامل ۳۰ میلیارد دلار کمک به رژیم صهیونیستی و ۱۳ میلیارد دلار کمک به مصر است. رژیم صهیونیستی علاوه بر کمک نظامی دائمی آمریکا که بالغ بر ۲/۴ میلیارد دلار است قرار است جهت ارتقاء سیستم موشکی خود، ۱۵۰ میلیون دلار دیگر نیز از آمریکا دریافت کند. این موارد بخشی از کمک‌های آمریکا به کشورهای منطقه است، و هدف عمده‌ی آن تقویت کشورهای به اصطلاح میانه‌رو و معتدل عرب به همراه رژیم صهیونیستی است." بوش نیز در سفر زمستانی خود به خاورمیانه در سایه‌ی پروژه‌ی ایران‌هراسی مبلغ ۶۰ میلیارد دلار با کشورهای منطقه قرارداد بست که نیمی از این مبلغ را قرارداد با عربستان سعودی تشکیل می‌داد. (basirat.ir، ۱۳۸۶/۵/۱۷)

### اختلاف نظر و ضعف رژیم‌های عربی

جنگ رژیم صهیونیستی علیه لبنان ضعف و سستی بی‌سابقه‌ی رژیم‌های عربی را نشان داد و باعث شد این کشورها در موضع‌گیری‌های خود دچار اختلافات شدیدی شوند؛ محور عربستان، مصر و اردن نقش فعالی علیه حزب‌الله ایفا نموده و به‌جز سوریه و قطر، سایر کشورهای عربی نیز به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم با

مواضع این سه کشور موافقت کردند. برای اولین بار عربستان سعودی از موضع‌گیری محافظه‌کارانه در مورد منازعه‌ی اعراب و رژیم صهیونیستی دست برداشت و ضمن همراهی با کشورهای که با رژیم صهیونیستی رابطه دارند، از مقاومت اسلامی لبنان انتقاد و آن را مسئول جنگ معرفی کرد. مفتی عربستان، نیروهای حزب‌الله را حزب الشیطان نامید و شیخ الازهر نیز عملیات حزب‌الله را محکوم کرد. (مهاجر، ۱۳۸۵، asreiran.org) حسنی مبارک، جنگ لبنان را بی‌ارتباط با مصر عنوان کرد و به‌راحتی از کنار آن گذشت، و حاکمان عربستان نیز تا مدت‌ها پس از شروع بحران، حزب‌الله و شخص سیدحسن نصرالله را شروع‌کننده‌ی بحران و ماجراجو عنوان می‌کردند. وزیر امور خارجه‌ی قطر ضمن افشای سیاست پنهانی کشورهای عربی گفت: *”سکوت اعراب در برابر تجاوزات اسرائیل عجیب نیست، اما موافقت با این جنایات و دادن چراغ سبز مستقیم برای تکمیل کردن این موضوع مایه‌ی شگفتی است که این روندی خطرناک است.“* وی در پی تغییر موضع این کشورها در برابر این بحران نیز گفت: *”این کشورها تلاش دارند تا با متوقف ساختن جنگ، جلوی شکست اسرائیل را بگیرند و از نابودی نجاتش دهند.“* (ولی پور زرومی، ۱۳۸۵، ص ۲۱)

پس از موضع‌گیری سران برخی کشورهای عربی علیه حزب‌الله شکاف دولت - ملت در کشورهای عربی آشکار شد و مسلمانان به‌خوبی از ماهیت دولت‌هایشان باخبر گردیدند. برخی کارشناسان با اشاره به موضع‌گیری منفی کشورهای عربی در برابر جنگ رژیم صهیونیستی علیه مردم بیگناه لبنان اعتراف می‌کنند که این جنگ، شکاف میان رهبران عرب و مردم آنها را افزایش داد. شورای روابط خارجی آمریکا در تحلیلی که در سایت خود منتشر کرد، نوشت: *”پنخس تصاویر مربوط به کشته شدن و گریه‌ی مردم لبنان که از سوی رژیم صهیونیستی هدف قرار گرفته بودند، با واکنش مثبت مقام‌های کشورهای عربی مواجه نشد. رهبران عرب با واکنشگتن همراه شدند و حمایت آنها از این تجاوز*

در سراسر جهان عرب، خشم مردم را در همه جهان برانگیخت. «شرین باهانا» نویسنده‌ی این تحلیل به اظهارات «جاناتان استیل» نویسنده‌ی گاردین اشاره می‌کند که نوشت: «حتی اگر اسرائیل حسن نصرالله رهبر حزب‌الله را بکشد و یا وی را دستگیر کند و راکت‌های حزب‌الله را از بین ببرد، حزب‌الله این جنگ را برده و پیروزی آن ممکن است آسیب کمتری به اسرائیل نسبت به کشورهای عربی برساند.» (moqavemat.ir، ۱۳۸۵/۵/۲۹)

معین ربانی<sup>۱</sup> در این مورد می‌گوید: «افکار عمومی کشورهای عربی از دولت‌های خویش می‌پرسند: اگر نیروهای لبنانی حزب‌الله در عرصه‌ی نبرد به دستاوردهایی بیش از آنچه شما بر روی میز مذاکره به دست آورده‌اید، نائل شده‌اند و در عین حال آنان از امکاناتی بسیار کمتر بهره‌مند بوده‌اند، شما تاکنون چه می‌کرده‌اید؟» (basirat.ir، ۱۳۸۶/۴/۳۰)

عبدالمالک سالمان<sup>۲</sup> معتقد است: «با پیروزی مقاومت در لبنان نظام‌های عربی نیز با فشارهای داخلی برای نشان دادن پایداری در قبال سلطه‌گری آمریکا روبه‌رو خواهند شد و چه بسا با مشکلات و نگرانی‌ها و دغدغه‌های داخلی در مراحل آینده روبه‌رو شوند.» (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۶/۱۲) بی‌تردید، پیروزی حزب‌الله عزم جدی مبارزه را در میان مبارزان مسلمان منطقه راسخ‌تر خواهد نمود و حتی برخلاف خواست سردمداران عرب، ممکن است به رشد رادیکالیسم منتهی گردد. این جنگ فرایند تحولات منطقه‌ای را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد که مهم‌ترین ویژگی آن پویا شدن متغیرهای درون منطقه‌ای، حرکت از علقه‌های ناسیونالیستی به دینی و تقویت نیروها و جنبش‌های ملی است.

۱ - عضو انجمن بحران‌های بین‌المللی (ICG)

۲ - محقق و کارشناس مسائل علوم سیاسی مصر

### تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه

برخلاف تبلیغات منفی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، اغلب مفسران سیاسی و مقامات کشورهای جهان به دلیل روابط سیاسی و فرهنگی حسنه‌ی ایران با حزب‌الله و از همه بالاتر آموزه‌های دینی حزب‌الله و تبعیت از رهبری دینی، ایران را دارای نقش محوری و اساسی در اداره و مدیریت بحران به وجود آمده می‌دانستند و از این کشور برای حل مسألت‌آمیز بحران کمک می‌خواستند. برای درک بهتر جایگاه واقعی ایران، به برخی از شاخص‌های افزایش جایگاه منطقه‌ای ایران اشاره می‌شود.

#### الف) تأثیرگذاری و ایفای نقش محوری ایران در روند صلح خاورمیانه:

مارتین ایندیک<sup>۱</sup> معتقد است: «حمایت ایران از حزب‌الله لبنان که نابودی اسرائیل را دنبال می‌کند، موجب شده است که هیچ برنامه‌ی صلحی در خاورمیانه میان اعراب و اسرائیل شکل نگیرد و تنها زمانی این فرایند کامل می‌شود که اصول آن مورد توافق ایران باشد و ایران با آن سیاست‌ها مخالفتی نداشته باشد.»  
(basirat.ir، ۱۳۸۶/۵/۲۳)

#### ب) افزایش جایگاه نظامی و اطلاعاتی ایران در سطح منطقه و بین‌الملل: توان

بالای نظامی و اطلاعاتی حزب‌الله لبنان که در جنگ ژوئیه به وضوح قابل مشاهده بود، ضمن این که موجب شد ارتش مجهز و اسطوره‌ای رژیم صهیونیستی متحمل شکست‌های سنگین نظامی و اطلاعاتی شود، این توانایی را به طور غیرمستقیم برای جمهوری اسلامی ایران نیز فراهم ساخت تا با اتکا به هم‌پیمانی با حزب‌الله در خارج از مرزهای خود، توان نظامی و اطلاعاتی خود را به نمایش بگذارد.

#### ج) حزب‌الله ابزار بازدارندگی ایران در شرایط وقوع جنگ احتمالی: سید

۱ - مدیر بخش خاورمیانه شورای عالی امنیت ملی آمریکا

حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان با اعلام مستمر حمایت‌های حزب الله از ایران در مقاطع مختلف و اتخاذ مواضع جانبدارانه از ایران در برابر هرگونه تحولات خارجی مربوط به ایران، در پاسخ به این پرسش که اگر غرب به ایران حمله کند، شما چه کار خواهید کرد؟ گفت: "حزب الله مدیون کمک‌ها و حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران است. ما از ولایت فقیه که نمود آن را در شخص رهبری ایران می‌بینیم، اطاعت محض داریم و گوش به فرمان ولایت فقیه هستیم و در این باره، هرچه ولایت فقیه دستور دهند، آن را بدون چون و چرا و با تمام توان اجرا خواهیم کرد. دفاع از جمهوری اسلامی ایران، یک مسئولیت شرعی است." (basirat.ir، ۱۳۸۶/۵/۲۳)

د) رشد جریان‌های اصیل اسلامی موافق ایران و مخالف غرب: پیروزی جریان‌های اسلامگرا در خاورمیانه که با موفقیت حزب الله در انتخابات لبنان شروع شد، پیروزی شیعیان در عراق و کسب اکثریت ۱۳۲ کرسی پارلمان عراق، پیروزی بی‌سابقه‌ی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در انتخابات شوراهاى محلی فلسطین و هم‌چنین کسب ۷۴ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان فلسطین و به‌دست گرفتن زمام اجرایی و در نهایت، کسب ۸۸ کرسی پارلمان مصر از سوی اخوان‌المسلمین، برای طرح‌های راهبردی آمریکا در حوزه‌های سیاسی و امنیتی چالش‌آفرین شده است. این روند، افزایش اقتدار و جایگاه سیاسی و امنیتی جریان‌های اسلامگرا در منطقه و غرب را به‌دنبال داشته و حاشیه‌ی امنیتی مقاومتی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است؛ در همین زمینه، بشیر موسی نافع در روزنامه‌ی القدس العربی چاپ لندن نوشت: "اعتماد ایران به برگه‌های برنده‌اش و هم‌چنین امیدش به ادامه‌ی برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای افزایش می‌یابد." (مرکز اطلاع رسانی فلسطین، ۲۰۰۶/۸/۱۷) با توجه به این که هر نوع حمله‌ی نظامی احتمالی به ایران می‌تواند واکنش‌های خشونت‌آمیز مردم خاورمیانه و جریان‌های اسلامگرای منطقه را به‌دنبال داشته

باشد، چرخش راهبرد غربی‌ها از فاز تهدیدات نظامی و سخت به راهکارهای مسالمت‌آمیز و نرم دور از انتظار نیست.

### ایجاد قطب جدید قدرت برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی

پس از جنگ لبنان و ناکامی آمریکا و متحدان آن در تحقق اهداف خود از طریق جنگ، تلاش نمودند با دشمن تراشی و بزرگ جلوه دادن تهدید ایران در منطقه، اتحادی<sup>۱</sup> را برای تشکیل نظام امنیتی جدید بر مبنای اتحاد کشورهای دوست و متحد آمریکا و ایجاد یک قطب جدید قدرت در منطقه با همکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های وابسته‌ی عربی، با مقاومت و بیداری اسلامی به محوریت ایران مقابله کنند.

رایس<sup>۲</sup> و رابرت گیتس<sup>۳</sup> برای جلب حمایت و پشتیبانی اعراب از عراق به خاورمیانه سفر کردند. هدف دیگر سفر<sup>۴</sup> آنها مذاکره در مورد فروش سلاح به متحدان عربی آمریکا برای مقابله با تهدیدات ایران بود. آمریکا در این راستا فروش ۲۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان، مصر و پنج کشور حاشیه‌ی خلیج فارس را مقرر نمود و در نظر دارد در ۱۰ سال آینده ۳۰ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل و ۱۳ میلیارد دلار نیز به مصر بدهد. (BBCPersian.com، ۱۳۸۶/۵/۷) رایس گفت: "این تلاش‌ها منجر به تقویت جریان‌های میانه‌رو و حمایت از راهبرد گسترده‌تری می‌شود که در جهت مقابله با نفوذ منفی ایران، سوریه، حزب‌الله و القاعده است."

۱- ر ک به:

Hersh, Seymour (2006) Washington's interests in Israel's war, August 21, 2006, [http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa\\_fact?Printable=true](http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true).

۲- وزیر امور خارجه‌ی آمریکا

۳- وزیر دفاع آمریکا

۴- این سفر در تاریخ ۳۰ ژوئیه‌ی ۲۰۰۷ (۸ مرداد ۱۳۸۶) انجام گردید.

۱۳۸۶/۵/۸، BBCPersian.com) بی‌بی‌سی ۱ در مطلبی با عنوان دوری عربستان از ایران و نزدیکی آن به آمریکا نوشت: "روابط دوجانبه‌ی ایران و عربستان بر سر موضوعات منطقه‌ای، که مهم‌ترین آنها حمایت تلویحی عربستان از خلع سلاح حزب‌الله لبنان و انتقاد عربستان از دخالت کشورهای همسایه‌ی عراق در امور این کشور - که اشاره‌ای غیرمستقیم به ایران داشته - و فتوای علمای وهابی عربستان علیه شیعیان، دچار سردی و رکود شده است."

هم‌زمان با اوج‌گیری تحولات منطقه‌ای در عراق و دور تازه‌ای از تلاش‌های آمریکا برای احیای روند صلح خاورمیانه، ایالات متحده اعلام کرد در پی نگرانی اعراب و گسترش نفوذ ایران و قدرت گرفتن شیعیان، در صدد است با کمک کشورهای منطقه از دامنه‌ی نفوذ و قدرت تهران بکاهد. افزایش فشارها بر ایران بر سر پرونده‌ی اتمی و فراخوانی بریتانیا به ائتلاف «کشورهای میانه‌رو» مسلمان در برابر ایران، نشان دیگری از قطب‌بندی جدید در مقابل ایران است. در یک موضع‌گیری مشابه روزنامه‌ی فایننشال تایمز نوشت: "واشنگتن در حال اعمال فشار بر کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج (فارس) است تا یک ائتلاف گسترده‌ی ضد ایرانی را همراه با آمریکا تشکیل دهند، حتی اگر به قیمت خطر به راه انداختن یک جنگ بین شیعه و سنی در جهان اسلام تمام شود." (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۱۱/۲۳)

چنی هم در گفت‌وگو با فاکس نیوز<sup>۲</sup> گفت: "اگر به منطقه بروید و با حکومت‌های حاشیه‌ی خلیج (فارس) صحبت کنید، اگر با سعودی‌ها صحبت کنید یا اگر با اسرائیلی‌ها و یا اردنی‌ها حرف بزنید درخواهید یافت که کل منطقه از

۱ - در ۲۴ فروردین ۱۳۸۶

۲ - ۱۴ ژانویه ۲۰۰۷

خطر رو به افزایش ایران نگران است.<sup>۱</sup> بوش نیز در «سفر خاورمیانه‌ای»<sup>۱</sup> خود، در ابوظبی،<sup>۲</sup> ایران را بزرگ‌ترین دولت حامی تروریسم و تهدیدی علیه همه‌ی کشورهای جهان دانست و از عزم خود برای تشکیل ائتلافی جهانی به منظور مقابله با خطر ایران، تأکید کرد و گفت «ایران امنیت ملت‌ها را در همه جا تهدید می‌کند و آمریکا دوستانش را برای مقابله با این تهدید قبل از این‌که خیلی دیر شده باشد متحد می‌کند.» (BBCPersian.com، ۱۳۸۶/۱۰/۲۲)

سیمور هرش از قول مارتین ایندیک<sup>۳</sup> می‌نویسد: «خاورمیانه به سوی جنگ سرد جدی شیعه - سنی در حرکت است.» وی با توجه به پیشینه‌ی اختلافات شیعه و سنی می‌نویسد: «نود درصد مسلمانان در سراسر جهان سنی هستند، اما شیعیان در ایران، عراق و بحرین در اکثریت هستند و بزرگ‌ترین گروه مسلمان در لبنان هستند. تمرکز شیعیان در چنین منطقه‌ی نفت‌خیز و ناآرامی به‌ویژه باتوجه به وزنه‌ی ژئوپولیتیک افزایش یافته‌ی ایران، سبب نگرانی غرب و سنی‌ها درباره‌ی ظهور «هلال شیعی» شده است ... در یک‌سال گذشته سعودی‌ها، اسرائیلی‌ها و دولت بوش به یک‌سری برداشت‌های غیررسمی درباره‌ی جهت راهبرد جدیدشان رسیده‌اند. یک مشاور دولت آمریکا به من گفت دست‌کم چهار عنصر اصلی در این راهبرد جدید وجود دارد؛ عنصر اول این است که به اسرائیل اطمینان خاطر داده شود که امنیت آن اهمیت والایی دارد، و واشنگتن، عربستان سعودی و دیگر حکومت‌های سنی با اسرائیل در نگرانی‌اش در خصوص ایران

۱ - این سفر در نیمه‌ی دوم دی‌ماه ۱۳۸۶ ه.ش انجام شد. و بوش پس از فلسطین به پنج کشور عربستان، امارات، کویت، بحرین و مصر سفر کرد.  
 ۲ - مرکز امارات عربی متحده  
 ۳ - از مقامات بلندپایه‌ی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا در زمان دولت کلینتون بود و در مقام سفیر آمریکا در سرزمین‌های اشغالی نیز خدمت کرده است.

هم عقیده هستند. عنصر دوم آن است که سعودی‌ها حماس را تشویق کنند که از شدت تهاجمات ضداسرائیلی خود بکاهد و گفت‌وگوهای جدی سهیم کردن فتح در رهبری را آغاز کنند. عنصر سوم این راهبرد آن است که دولت بوش با کشورهای سنی به صورت مستقیم به منظور مقابله با به قدرت رسیدن شیعیان در منطقه همکاری داشته باشد. عنصر چهارم آن است که دولت سعودی با موافقت واشنگتن منابع مالی و لجستیکی برای تضعیف دولت بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه فراهم کند.<sup>۱</sup> (iribnews.ir، ۱۳۸۵/۱۲/۲۶)

خبرگزاری فرانسه نیز نوشت: "دیک چنی، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا روز ۹ می ۲۰۰۶ عازم خاورمیانه شد تا ضمن دیدار از کشورهای امارات، مصر و اردن از رهبران با نفوذ منطقه برای کمک به ثبات در عراق و ترغیب آنها برای مقابله با نفوذ فزاینده‌ی ایران در منطقه یاری بخواهد."<sup>۲</sup> (baztab.com، ۱۳۸۶/۲/۱۸) وی از روی عرشه‌ی ناو استنيس آمریکا در خلیج فارس گفت: "ما برای مبارزه با افراط‌گرایی و تهدیدات راهبردی در کنار دوستانمان ایستاده‌ایم. ما تلاش برای دادن آزادی به دشمنان عدالت و رهایی افرادی که تحت رنج هستند را ادامه داده و در کنار دیگران برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی و تسلط کامل بر منطقه خواهیم ایستاد." رایس، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا نیز با در پیش گرفتن موضعی مشابه اعلام کرد: "ایران مهم‌ترین چالش راهبردی تک‌محوری آمریکا در خاورمیانه‌ی مطلوب ماست. هم‌چنین نیکلاس برنز،<sup>۱</sup> یکی از اهداف اولیه‌ی فروش تسلیحات به کشورهای عرب منطقه را تقویت قدرت دفاعی این کشورها دانست که در نتیجه، می‌تواند عاملی بازدارنده در برابر توسعه‌طلبی و تجاوزات احتمالی ایران در آینده باشد. دولت بوش هم‌چنین با برگزاری مجموعه‌ای از کنفرانس‌ها و اجلاس‌های

۱ - معاون وزیر امور خارجه‌ی آمریکا.

منطقه‌ای، امیدوار به احیای روند صلح اعراب و اسرائیل است که حتی در این راه هم امیدوار به تمرکز دوباره‌ی انرژی دولت‌های منطقه، بر تهدید موجود از سوی ایران است.<sup>۱</sup> (نصر ۱ و تکیه، ۱۳۸۶، tabnak.ir)

صبح زنگنه، کارشناس مسائل خاورمیانه، نیز ضمن تأیید تمایل سیاست خارجی آمریکا به ایجاد قطب جدید قدرت در مقابل جمهوری اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله و حماس، معتقد است: «هدف اصلی آمریکا از بسیج کشورهای منطقه تحت عنوان ائتلاف کشورهای معتدل، انحراف ذهن مردم و دولت‌های منطقه از مشکل اصلی یعنی رژیم صهیونیستی است.» (شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶/۱۰/۱۱)

#### تقویت موضع سوریه

جنگ اخیر تقویت‌کننده‌ی موضع سوریه و تأییدی بر نگرش این کشور بود مبنی بر این‌که دیپلماسی اعراب وزنه و اعتباری در محافل بین‌المللی ندارد و اگر دستاوردهای مقاومت نبود، به هیچ‌وجه با اصلاح‌پیش‌نویس قطعنامه‌ی ۱۷۰۱ موافقت نمی‌شد. با توجه به این‌که در حال حاضر حزب‌الله و حماس دو منبع قدرت برای سوریه هستند، به‌نظر نمی‌رسد که این کشور قطع ارتباط با آنها را به‌عنوان شروط از سرگیری مذاکرات بپذیرد. رئیس‌جمهور سوریه در این‌باره می‌گوید: «به ما پیشنهادهایی دادند تا از حزب‌الله و حماس کناره‌گیری کنیم، اما

۱ - سیدولی‌رضا نصر (متولد ۱۳۳۹ تهران) اسلام‌شناس، مشاور ریاست جمهوری آمریکا، عضو شورای روابط خارجی آمریکا، و از اساتید شناخته‌شده‌ی مسائل خاورمیانه در غرب است. وی که از مدعوین کاخ سفید و رسانه‌های عمومی آمریکایی در موضوعات جهان اسلام می‌باشد، هم‌اکنون استاد مدرسه‌ی عالی نیروی دریایی در کالیفرنیا می‌باشد و مقالات و کتب زیادی را به چاپ رسانیده است.

۲ - ری تکیه کارشناس ارشد شورای روابط خارجی آمریکا و تحلیل‌گر مسائل ایران و خاورمیانه است.

آنها را رد کردیم." (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۵/۲۳)

این جنگ تأکید دوباره‌ای بر اهمیت کشورهای سوریه و ایران بود و نشان داد که نمی‌توان آنها را به‌عنوان دو قدرت اصلی مخالف طرح خاورمیانه‌ی جدید نادیده گرفت و آن‌گونه که پروفیسور «پل راجرز»<sup>۱</sup> می‌گوید: «شکست اسرائیل در لبنان منجر به افزایش نفوذ ایران و سوریه در منطقه‌ی خاورمیانه شده است.» (irma.ir، ۱۳۸۵/۶/۱۹)، امری که هیچ تردیدی در آن نبوده و میزان تأثیرگذاری آن به حدی است که به‌عنوان یکی از نکات برجسته در طرح بیکر - همیلتون دیده شده و حتی نومحافظه‌کاران حاکم بر آمریکا نیز با وجود مخالفت اولیه ناگزیر به ارتباط بیشتر و مذاکره با این دو کشور برای برقراری ثبات در منطقه گردیدند.

#### افزایش فشار بر جنبش حماس

مسدود کردن راه‌های بازگشت حماس به صحنه‌ی سیاسی فلسطین پس از عزل دولت قانونی حماس و طرح جدید ترور رهبران حماس توسط رژیم صهیونیستی و کمک‌های نظامی این رژیم به ابومازن<sup>۲</sup> و کابینه‌ی سلام فیاض<sup>۳</sup> و حمایت «مثلث عربی»<sup>۴</sup> از این کابینه در همراهی با رژیم صهیونیستی، از نتایج دیگر پیروزی حزب‌الله در جنگ ژوئیه بود. خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۷/۱۷) ضمن درج تحلیل «احمد الخمیسی» تحلیل‌گر مصری در خصوص سفر رایس به خاورمیانه پس از شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ژوئیه نوشت: «اکنون

۱ - استاد مطالعات صلح در دانشگاه برادفورد

۲ - رئیس حکومت خودگران فلسطین

۳ - نخست وزیر انتصابی محمود عباس (ابومازن) پس از عزل اسماعیل هنیه نخست وزیر قانونی دولت خودگران از جنبش حماس.

۴ - عربستان، مصر و اردن.

«رایس» تلاش می‌کند تا دوباره کشورهای عربی دنباله‌روی آمریکا را دورهم جمع کند تا این‌که از حمایت آنها از دولت لبنان در برابر گروه‌های مقاومت لبنانی مطمئن شود و همچنین این کشورها فشارهای خود را علیه حماس در فلسطین برای به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل و قبول حل و فصل سیاسی ناعادلانه ادامه دهند.<sup>۱</sup>

### رقابت برای تعیین نقشه‌ی سیاسی خاورمیانه

پس از ناکامی آمریکا در تحقق اهداف منطقه‌ای خود از راه جنگ، به‌نظر می‌رسد رقابت بازیگران اصلی در منطقه برای تعیین نقشه‌ی سیاسی خاورمیانه شکل جدی‌تری به خود گرفته است. به‌عنوان نمونه، در عرصه‌ی لبنان، حزب‌الله و حامیان آن از یک‌سو و ایالات متحده‌ی آمریکا، رژیم صهیونیستی، متحدان عربی آمریکا در طرف مقابل، به همراه برخی کشورهای دیگر مثل فرانسه، هر کدام برای تأمین خواسته‌های خود به رقابت برخاسته‌اند. مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین (۲۰۰۶/۷/۲۶) به نقل از روزنامه‌ی القدس العربی در تحلیلی از عبدالباری عطوان،<sup>۱</sup> رقابت بر سر تعیین نقشه‌ی سیاسی خاورمیانه را جدی ارزیابی کرده و نوشت: «حزب‌الله قواعد بازی و همه‌ی معادلات منطقه را برهم زده، و هم‌اکنون میان این جریان و حامیان آن به‌ویژه اکثریت گسترده‌ای از عرب‌ها و مسلمانان از یک‌سو و آمریکا از طرف دیگر برای تعیین نقشه‌ی سیاسی منطقه، رقابتی سخت در جریان است.» سیدحسن نصرالله هم ضمن اشاره به مسأله‌ی تفرقه و ارتباط آن با طرح خاورمیانه‌ی جدید آمریکا می‌گوید: «پیروزی در جنگ تابستان گذشته، نیت آمریکا درباره‌ی ایجاد خاورمیانه‌ی جدید را به

۱ - سردبیر نشریه‌ی القدس العربی

ویرانی کشاند، اما حال که از طریق جنگ همه‌جانبه نتوانستند امیال خود را محقق سازند، می‌کوشند از طریق ایجاد تفرقه‌های طایفه‌ای و جنگ داخلی در لبنان، خاورمیانه‌ی جدید را محقق کنند.“ (یاری، ۱۳۸۶: ۳)

برنامه‌ریزی آمریکا برای تفرقه در جهان اسلام نیز سیاست دیگری است که این کشور دنبال می‌کند. علاوه بر تحرکاتی که برای درگیر کردن حماس و فتح در فلسطین دنبال می‌گردد، تلاش برای ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی و جلوگیری از روابط حسنه میان ایران و همسایگان و تلاش برای بدگمانی آنها نسبت به همدیگر، سیاست آشکاری است که آمریکا در پی تحقق آن است.

### پیامدهای جنگ در سطح بین‌المللی

جنگ ژوئیه از جهات متعددی دارای برجستگی‌هایی بود که در سطح بین‌الملل حائز اهمیت است. در همین رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ارزانی مدل مناسب برای جنگ‌های چریکی در دنیای مدرن

این جنگ ثابت کرد یک گروه چریکی مؤمن می‌تواند با امکانات ناچیز در نبردی نامتقارن، یک ارتش منظم و مجهز به جنگ‌افزارهای پیشرفته را با شکست مواجه سازد و جنگ‌افزارهای پیشرفته در برابر تاکتیک و برنامه‌ریزی صحیح کارایی چندانی ندارند. جنگ ژوئیه نشان داد که فقط حجم گسترده‌ی نیروهای نظامی و بودجه و اعتبار وسیع جنگی و فناوری نظامی پیشرفته عامل موفقیت نیست و ایمان و اتکای به خداوند و عدم هراس از مرگ در کنار ابتکار عمل‌های جدید در صحنه‌ی نبرد و استفاده از فناوری مناسب عامل پیروزی است. ارتش‌های منظم و مجهز تنها قابلیت جنگ با ارتش‌های منظم و مجهز ضعیف‌تر از خود را دارند و قادر نیستند با قدرت‌های رزمی غیرکلاسیک که به گونه‌ای ویژه ساماندهی شده‌اند، بجنگند و پیروز شوند.

جنگ چریکی حزب‌الله که با گروه‌های ۱۰ تا ۱۱ نفره و با استتار کامل، حضور نامرئی و صبر طولانی در هر نقطه‌ی منطقه نبرد انجام می‌شد، مدلی مناسب برای جنگ‌های نامتقارن آینده گردید و کارایی بالایی در برابر سلاح‌های فوق مدرن از خود نشان داد و شرایطی را مهیا کرد که پیشرفته‌ترین تانک‌های رژیم صهیونیستی تقریباً کارایی خود را از دست دادند. در همین زمینه، روزنامه‌ی الحیات چاپ لندن نوشت: «حزب‌الله لبنان معادلات و مدل‌های نظامی جنگ کلاسیک را به هم ریخت. حزب‌الله در این جنگ پیچیده تنها حدود ۶۰ نفر شهید داد در حالی که رژیم صهیونیستی ۱۱۹ کشته دادند علاوه بر این‌که کشته‌های رژیم صهیونیستی جزو نیروهای مخصوص و زبده به‌شمار می‌آمدند که انواع آموزش‌های نظامی را سپری کرده بودند.» (کرمانی، ۱۳۸۶: ۹) با وجود اعلام اولیه‌ی تلفات در این حجم، گزارش محرمانه‌ی سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه خسارت‌های واقعی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی منابع انسانی در جنگ ۳۳ روزه علیه لبنان را بسیار بیشتر از آن چیزی که این رژیم اعلام کرده دانسته و برخلاف ادعای رژیم صهیونیستی<sup>۱</sup>، تعداد نظامیان کشته شده را ۲۳۰۰ نفر و تعداد مجروحانی که از مرگ نجات یافتند را ۷۰۰ نفر اعلام نمود و هم‌چنین بیان کرد که در این جنگ، ۱۶۰ تانک رژیم صهیونیستی خسارت دیده که ۶۵ دستگاه از این تانک‌ها توسط موشک‌های مقاومت نابود شده‌اند. بر مبنای این گزارش «۶۵ نظامی اسرائیل در زیر آوار و در حالی که در خانه‌های لبنانی‌ها مخفی شده بودند، کشته شده و ۲۴ نظامی دیگر نیز در ناوچه‌ی ساعر از بین رفتند.» (hadi.basijnews.ir، ۱۳۸۷/۳/۲۲)

در واقع، حزب‌الله در این جنگ با توجه به روحیه‌ی بالای جنگی، از بهترین

۱ - مبنی بر این که تنها ۱۱۹ نظامی در جنگ ۳۳ روزه کشته شده‌اند.

تاکتیک و روش‌ها استفاده کرد. آنها قبل از آغاز جنگ، جنوب لبنان را کاملاً مهیای جنگی کرده بودند که پیش‌بینی وقوع آن را داشتند.

### اثبات کارآمدی تاکتیک‌های مناسب در جنگ

جنگ اخیر لبنان نشان داد که تاکتیک‌های کارآمد و مناسب تأثیر تعیین کننده‌ای در جنگ‌ها دارند و می‌توانند راهبرد رقیب را دستخوش تحولات عمیق نمایند. در سایه‌ی این جنگ رژیم صهیونیستی کاملاً متوجه این مسأله شد که امنیت ملی تنها با برتری نظامی قابل دستیابی نیست. امروزه امنیت ملی کشورها از ناحیه‌ی نیروهای شبه نظامی و جنگ‌های چریکی در معرض تهدید است؛ تهدیدهایی که با راهبردها و تاکتیک‌های سنتی معروف به جنگ کلاسیک نمی‌توان آن را دفع و خنثی ساخت. در نتیجه، در راهبرد امنیت ملی، علاوه بر بعد نظامی امنیت، باید ابعاد دیگر آن نیز مد نظر قرار گیرد. لذا اصل پیشگیری به تدریج جایگزین پیش‌دستی در راهبرد امنیت ملی خواهد شد، زیرا برای رویارویی و مقابله با یک جنبش شبه نظامی که فاقد پایگاه، تأسیسات نظامی ثابت، نیروی نظامی منظم و ارتش کلاسیک است، فقط پیش‌دستی در آغاز جنگ کارآمدی لازم را ندارد.

### ناامیدی اعراب از وساطت عادلانه‌ی آمریکا در جریان صلح خاورمیانه

همان‌گونه که فیلیپ گوردون<sup>۱</sup> و جرمی شاپیرو<sup>۲</sup> می‌نویسند: "این جنگ امیدهای باقی‌مانده برای آمریکا را در جهت آن‌که به عنوان یک واسطه‌ی امین در جست‌وجوی صلح بین اسرائیلی‌ها و اعراب تلقی شود را نقش بر آب کرد."

۱ - عضو ارشد سیاست خارجی آمریکا.

۲ - عضو برنامه‌ی مطالعات سیاست خارجی در انستیتو بروکینگز آمریکا.

(خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۵/۳۱) آشکار شدن دخالت آمریکا در راه‌اندازی و ادامه جنگ و تلاش برای تقویت موضع رژیم صهیونیستی پس از جنگ، برای افکار عمومی اعراب تردیدی بر دخالت یک‌جانبه‌ی آمریکا به نفع رژیم صهیونیستی در مناقشه‌ی اعراب و رژیم صهیونیستی باقی نگذاشته است.

### آشکار شدن ضعف ابزارهای آمریکا در منطقه برای تثبیت هژمونی این کشور

یکی از درس‌ها و پیامدهای مهم این جنگ، آشکار شدن ضعف آمریکا در تثبیت هژمونی<sup>۱</sup> خود بود. مجدداً این مسأله تأیید شد که آمریکا در ترجمه‌ی پتانسیل‌های برتر نظامی خود به نیروی بازدارنده‌ی سیاسی دارای مشکلات اساسی است. بلچمن<sup>۲</sup> و کافمن<sup>۳</sup> در این زمینه می‌نویسند: «آمریکا در طول دهه‌های اخیر در استفاده از قدرت نظامی خود و ترجمه‌ی قدرت نظامی به قدرت سیاسی با مشکلاتی روبه‌رو بوده است؛ در بسیاری از موارد، دیپلماسی قایق‌های توپدار به تنهایی توانسته است آمریکا را به اهداف خود برساند و پس از شکست تهدیدهای پرمطراق، آمریکا مجبور به عقب‌نشینی و یا استفاده‌ی عملی از نیروهای مسلح شده است.» (بلچمن و کافمن، ۱۳۷۸: ۱) در لبنان نیز آمریکا نتوانست از موقعیت برتر خود برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای‌اش استفاده نماید و در نهایت مجبور به استفاده از نیروی نظامی - با واسطه‌ی رژیم

۱ - برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص هژمونی آمریکا، رک به:

- امینیان، بهادر، آمریکا و ناتو (پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا) (تهران: دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶).

- ایکنبری، جی جان. تنها ابر قدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱، چاپ دوم، ترجمه عظیم فضلی‌پور (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲).

۲ - باری بلچمن، معاون آژانس «کنترل تسلیحات و خلع سلاح آمریکا» در دوران جیمی کارتر.

۳ - تامارا کافمن، از محققان برجسته‌ی مؤسسه بروکینگز.

صهیونیستی - گردید و آن‌چنان که ایندپندنت نوشت نکته‌ی بارز جنگ لبنان افول روزافزون قدرت آمریکا در منطقه بود. (moqavemat.ir، ۱۳۸۵/۹/۲۶) بسیاری از تحلیل‌گران جنگ ژوئیه را مینیاتوری از جنگ آمریکا علیه ایران دانسته و معتقدند آمریکا پس از این جنگ باید از حمله‌ی نظامی به ایران صرف‌نظر نماید و الا باید منتظر شکست خود باشد. هلن توماس<sup>۱</sup> در تحلیلی با اشاره به رویکرد آمریکا به دیپلماسی و تأکید بر ضرورت پایان یافتن رویکرد یکجانبه‌گرایی آمریکا در جهان نوشت: "جرج بوش یاد گرفته است که تنها ابر قدرت جهان دیگر نمی‌تواند به تنهایی اقدام کند." (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۴/۲۳)

### افول قدرت آمریکا در منطقه

روند جنگ لبنان نشان داد قدرت آمریکا در منطقه رو به افول نهاده و دوران یکه-تازی این کشور به پایان رسیده است.<sup>۲</sup> روزنامه‌ی فایننشال تایمز در مقاله‌ای به قلم فیلیپ گوردون و جرمی شاپیرو نوشت: "نتیجه‌ی روشن جنگ ژوئیه این بود که آمریکا بازنده است." (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۵/۳۱) «رابرت فیسک»<sup>۳</sup> نیز در روزنامه‌ی ایندپندنت نوشت، "آنچه در لبنان شاهدیم، افول روزافزون قدرت آمریکا در منطقه است." (kayhannews.ir، ۱۳۸۵/۹/۲۶) جان بولتون<sup>۴</sup> نیز ناکامی آمریکا را این‌گونه

۱ - روزنامه‌نگار آمریکایی.

۲ - برای اطلاع بیشتر از افول قدرت آمریکا رک به:

- پایان عصر آمریکا در خاورمیانه (تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه؛ اداره مقابله با تهدیدهای نرم و عملیات روانی، ۱۳۸۶).

- پلاتونوف، الگ. آیا آمریکا نابود خواهد شد؟، ترجمه داوود اقبالی (تهران: مهر آرمین، ۱۳۸۳).

- فیسک، رابرت (۱۳۸۵): "رویدادهای لبنان آغاز افول آمریکا در خاورمیانه است"، www.kayhannews.ir، (۱۳۸۵/۹/۲۶).

۳ - خبرنگار انگلیسی

۴ - سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل (John Bolton).

تشریح کرد: "فکر نمی‌کنم به آنچه می‌خواستیم دست یافته باشیم و اوضاع منطقه را به سمت کاملاً متفاوتی سوق داده باشیم." (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۱۳)

### افزایش نفرت از آمریکا در منطقه

افزایش تنفر از آمریکا یکی دیگر از تبعات جنگ لبنان بود. برژینسکی معتقد است: "سیاست خاورمیانه‌ای دولت بوش آمریکا را بیش از هر زمانی نزد مردم خاورمیانه منفور کرد." (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۲۴) اگر بخواهیم ریشه‌ی اصلی این نفرت را بیابیم، بی‌تردید باید بر جنگ‌افروزی آمریکا در منطقه و هم‌چنین حمایت این کشور از رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از علل اصلی، انگشت گذاریم.

### اقبال بیشتر به دموکرات‌ها در آمریکا

مردم آمریکا به‌خوبی آثار منفی سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی آمریکا در جهان و خصوصاً خاورمیانه را درک نموده و یکجانبه‌گرایی و نظامی‌گری نومحافظه‌کاران را عامل افزایش نفرت از آمریکا می‌دانند. بنابراین، پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای گنگره آمریکا در هفتم نوامبر ۲۰۰۶ و هم‌چنین اقبال معنی‌دار مردم آمریکا به کاندیداهایی که از جنگ‌طلبی فاصله می‌گیرند، از دیگر پیامدهای جنگ لبنان و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا بود. این مسأله در نظرسنجی‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری آینده‌ی این کشور مشهود است.

### کاهش اعتبار دولت انگلیس در میان کشورهای عربی و اسلامی

علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله معتقد است: "سیاست تونی بلر در جنگ اخیر ضد لبنان و کمک به ارسال بمب‌های آمریکایی به رژیم صهیونیستی

باقی مانده‌ی اعتبار این کشور در کشورهای عربی و اسلامی را از بین برد.“ (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵/۷/۲۷) در همین زمینه مجتهدزاده<sup>۱</sup> نیز در گفت‌وگوی خبری شبکه‌ی دوم سیمای جمهوری اسلامی<sup>۲</sup> گفت: “کنار رفتن بلراز نخست‌وزیری انگلیس نتیجه‌ی پیروی کورکورانه‌ی وی از بوش پس از ۱۱ سپتامبر در عراق، افغانستان، روابط با ایران و خصوصاً در جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان بود و به‌دلیل مسائل فوق‌الذکر در واقع او را از قدرت کنار زدند نه کنار رفت.“

### تلاش اتحادیه‌ی اروپا برای ایفای نقش بیشتر در مسائل بین‌المللی

اتحادیه‌ی اروپا تلاش نمود تا با طرح کنفرانس بین‌المللی خاورمیانه با شرکت کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در کنار نماینده‌ی اتحادیه اروپا، کمیته‌ی چهارجانبه و سازمان ملل، روند سازش را در راستای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی فعال نموده، تا هم نقش فعال‌تری در مسائل منطقه ایفا نماید، و هم مانع رشد جریان‌های آزادیخواه و اسلامگرا شود و همزمان حوزه‌ی نفوذ خود را در مقابل سایر بازیگران از جمله چین، روسیه، غیرمتعهدها و سازمان کنفرانس اسلامی گسترش دهد. (moqavemat.ir، ۲۰۰۶/۹/۲۰) سفر سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه به کشورهای منطقه، از جمله سفر هم‌زمان وی با بوش در زمستان ۱۳۸۶ و تلاش این کشور برای ایفای نقش برجسته در بحران ریاست جمهوری لبنان، در همین راستا بود.

### کاهش اعتماد به نهادهای بین‌المللی

درس بزرگ دیگر جنگ لبنان برای جهان این بود که نمی‌توان اعتماد کافی به سازمان ملل و شورای امنیت برای انجام وظایف خود در تأمین صلح و امنیت

۱ - رئیس مرکز یوروسویک لندن

۲ - ۱۳۸۶/۲/۲۲

جهانی داشت. این نهادها منافع و سیاست‌های غرب و در رأس آن آمریکا را در اولویت قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال، در همین جنگ، با وجود وقیحانه‌بودن حادثه‌ی قانا نزد افکار عمومی تمام ملت‌ها، کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل، با گذشت چند روز در یک موضع‌گیری ضعیف گفت: «شاید حادثه‌ی قانا نقض قوانین بین‌المللی بوده باشد.» (ولی پور زرومی، ۱۳۸۵: ۲۰) بنابراین، تا زمانی که شاهد این‌گونه موضع‌گیری‌ها از طرف دبیر کل سازمان ملل و دیگر نهادهای مسئول صلح و امنیت هستیم، نباید امید چندانی به احقاق حق ملت‌ها در مسائل بین‌المللی داشته باشیم. این مسأله تداعی‌کننده‌ی مواضع جامعه‌ی ملل در خصوص بر هم زندگان صلح و امنیت قبل از جنگ جهانی دوم است که در نهایت موجب از بین رفتن تشکیلات جامعه‌ی ملل گردید.

تصویب قطعنامه‌ی ۱۷۰۱ نشان داد که رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده ناتوان است و در مواقعی که احساس شکست کند، از نفوذ آمریکا در شورای امنیت برای تأمین خواسته‌های خود استفاده می‌کند. (دلورپور اقدام، ۱۳۸۶) اگر نگاهی به مصوبات این قطعنامه داشته باشیم، می‌بینیم که در مفاد قطعنامه، بر خواسته‌های<sup>۱</sup> عمده‌ی رژیم صهیونیستی تأکید شده است.

### نتیجه‌گیری

ناکامی آمریکا در مبارزه با تروریسم و دموکراسی‌سازی در خاورمیانه و بن‌بست سیاست‌هایش در منطقه به دلیل عدم آشنایی با مسائل آن، موجب شد که پس از بن‌بست عراق سیاست مقابله با بیداری اسلامی به محوریت ایران و تلاش برای تضعیف قدرت شیعه در قالب طرح خاورمیانه‌ی جدید پیگیری شود. در

۱ - مانند خلع سلاح حزب‌الله، تحویل دو سرباز اسرائیلی و اجرای قطعنامه ۱۵۵۹

این طرح جنگ علیه تندروری و استفاده از اهرم زور و توسل به قوه‌ی قهریه جایگزین شعارهای دموکراسی‌سازی، بهداشت، آموزش، حقوق زنان، و حقوق بشر گردید.

جنگ ژوئیه نشان داد که ابزارهای آمریکا در تثبیت هژمونی این کشور فاقد کارایی لازم بوده و این کشور در ترجمه‌ی پتانسیل‌های نظامی خود به سیاستی فعال و کارآمد در عرصه‌ی بین‌المللی ناتوان بوده و ناگزیر است که به شیوه‌های قدیمی از جمله مداخله‌ی نظامی برای تأمین اهداف خود متوسل گردد. آن‌گونه که در این مقاله ذکر شد، این جنگ و متعاقب آن پیروزی راهبردی حزب‌الله و وقوع اولین شکست رژیم صهیونیستی در یک نبرد نظامی با اعراب، دارای پیامدهای قابل توجهی در زمینه‌های مختلف از جمله در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی بود. با توجه به افول قدرت آمریکا در منطقه، در این وادی نیز بیشترین تهدیدات و آسیب‌ها متوجه سیاست‌های آمریکا بوده و به همین دلیل این کشور تلاش می‌کند تا ضمن کمک به رژیم صهیونیستی و کشورهای میانه‌رو عربی از جمله مصر، عربستان و اردن به تجهیز آنها پرداخته و ضمن تلاش برای حل مشکل اعراب و رژیم صهیونیستی به تقویت روابط آنها و ایجاد قطب جدیدی از قدرت جهت مقابله و مهار قدرت روزافزون جمهوری اسلامی ایران در منطقه پردازد.

## منابع

### منابع فارسی

#### الف) کتاب

- ۱ - امینیان، بهادر، "آمریکا و ناتو (پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا)"; تهران: دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶.
- ۲ - ایکنبری، جی جان، "تنها ابر قدرت؛ هژمونی آمریکا در قرن ۲۱"، چاپ دوم، ترجمه عظیم فضلی‌پور؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲.
- ۳ - پایان عصر آمریکا در خاورمیانه؛ تهران: معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه؛ اداره مقابله با تهدیدهای نرم و عملیات روانی، ۱۳۸۶.
- ۴ - پلاتونوف، الگ، "آیا آمریکا نابود خواهد شد؟"، ترجمه داود اقبالی؛ تهران: مهر آرمین، ۱۳۸۳.
- ۵ - حجازی، حامد، "یک لبنان مقاومت؛ یک اسرائیل ادعا"; قم: انتشارات بقیه‌العترة، ۱۳۸۵.
- ۶ - حسینی، حسن، "طرح خاورمیانه بزرگتر؛ القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا"; تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
- ۷ - رضوی، سلمان و پاشا قاسمی، علی، "طعم تلخ بزرگ‌ترین شکست"; تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۶.
- ۸ - یونسیان، مجید، "کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه"; تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ۱۳۸۵.

#### ب) مقاله

- ۹ - ابراهیم، سعدالدین (۱۳۸۵/۶/۲)، "خاورمیانه جدید اسلامی از زبان یک روزنامه آمریکایی"، واشنگتن پست، به نقل از: [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir)، (۱۳۸۵/۶/۴).

- ۱۰ - امینیان، بهادر، "آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات"، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴، تهران: پاییز ۱۳۸۳، صص ۲۶-۷.
- ۱۱ - باهانا، شرین، (۱۳۸۵/۵/۲۹)، "جنگ اسرائیل و حزب الله شکاف میان رهبران عرب و مردم را افزایش داد"
- [http://moqavemat.ir/?lang=fa&state=showbody\\_news&row\\_id=1369&key=%D8%A8%D8%A7%D9%87%D8%A7%D9%86%D8%A7;](http://moqavemat.ir/?lang=fa&state=showbody_news&row_id=1369&key=%D8%A8%D8%A7%D9%87%D8%A7%D9%86%D8%A7;) (۲۱ دی ۱۳۸۶)
- ۱۲ - بلچمن، باری و کافمن، تامارا، "تهدید و به کاگیری نیروی نظامی در سیاست خارجی آمریکا"، ترجمه بهادر امینیان مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۸، تهران: پاییز ۱۳۷۸.
- ۱۳ - تنهایی، علیرضا (۱۳۸۶/۵/۲۲)، "جنگ ۳۳ روزه و عبرت‌های ماندگار"، <http://www.basirat.ir/news.aspx?newsid=11898> (22/5/1386).
- ۱۴ - جوانی، یدالله، "اشتباهات استراتژیک - پیروزی استراتژیک"، هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۳۰۹ (۲۵ تیر ۱۳۸۶)، صص ۱ و ۲.
- ۱۵ - حسین‌پور، عبدالله (۱۳۸۵/۷/۱۳)، "رژیم صهیونیستی و پس لرزه‌های جنگ با حزب الله"، [www.ghana2006.blogfa.com](http://www.ghana2006.blogfa.com) (13/7/1385).
- ۱۶ - درینفوس، روبرت (۱۳۸۵/۸/۱۲)، "کاخ سفید در محاصره تئوریسین‌ها و تئوری‌های جنگی"، ترجمه فروزنده فرزاد، <http://parskhabar.com/Frame1.php?K=2&T=2&A=1&C=2 &M=r20060306> sheytan1 (14/7/1386)
- ۱۷ - "دستاورد های مقاومت پس از جنگ ۳۳ روزه"، [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir)، (۱۳۸۶/۵/۲۲).
- ۱۸ - دل‌اورپور اقدم، مصطفی، (۱۳۸۶/۲/۲۷)، "حزب‌الله و مؤلفه‌های سیاست و امنیت در خاورمیانه"، <http://www.aftab.ir/articles/politics/world/c1c1179404668>، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۱۹ - "رژیم صهیونیستی و پس لرزه‌های جنگ با حزب‌الله"، [www.basirat.ir](http://www.basirat.ir)، (۱۳۸۶/۵/۱۷).
- ۲۰ - "روابط مثلث عربی با رژیم صهیونیستی در دور جدید"، <http://www.hadi.basirat.ir>، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۲۱ - سالمان، عبدالمالک، "ارزیابی پیامدهای جنگ افروزی اخیر اسرائیل"، خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۶/۱۲).
- ۲۲ - سعادت، عباس، (بی تا) "حزب‌الله در موازنه جدید منطقه" [www.vijename.ommatnews.com/contents/subjects/33rooze](http://www.vijename.ommatnews.com/contents/subjects/33rooze)، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۲۳ - شعبانی، علی، (۱۳۸۵/۶/۱۲) "رهاورد حزب‌الله در جهاد فی سبیل الله"، [http://www.jomhourieslami.com/1385/13850612/13850612\\_jomhori\\_islami\\_08\\_](http://www.jomhourieslami.com/1385/13850612/13850612_jomhori_islami_08_)

- Jobnan. HTML#matlab\_17 (۱۳۸۵/۶/۱۲).
- ۲۴ - عزام، ماجد، (بی تا) "برداشت‌های مهم از گزارش وینوگراد"، [www.vijename.ommatnews.com/contents/subjects/33rooze](http://www.vijename.ommatnews.com/contents/subjects/33rooze)، (۱۳۸۶/۵/۱۳).
- ۲۵ - عطوان، عبدالباری. "خاورمیانه دشمن آمریکا"، روزنامه القدس العربی ۲۶/۷/۲۰۰۶، به نقل از: مرکز اطلاع رسانی فلسطین (۲۰۰۶/۷/۲۶).
- ۲۶ - "کنفرانس بین‌المللی خاورمیانه و توطئه جدید غرب"، [www.moqavemat.ir](http://www.moqavemat.ir)، (20/9/2006).
- ۲۷ - علایی، حسین، "ارزیابی جنگ ۳۳ روزه"، هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۳۱۳ (۲۲ مرداد ۱۳۸۶)، ص ۱۱.
- ۲۸ - فرازمنند، علی (۱۳۸۵/۵/۲۵)، "طرح خاورمیانه جدید و حمله به لبنان"، [www.zionism.blogfa.com](http://www.zionism.blogfa.com)، (۱۳۸۵/۵/۲۸).
- ۲۹ - فیسک، رابرت (۱۳۸۵)، "رویدادهای لبنان آغاز افول آمریکا در خاورمیانه است" [www.kayhannews.ir](http://www.kayhannews.ir)، (۱۳۸۵/۹/۲۶).
- ۳۰ - کرمانی، داوود، "درس‌های برجای مانده از نبرد ۳۳ روزه"، هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۳۱۳ (۲۲ مرداد ۱۳۸۶)، صص ۸ و ۱۰.
- ۳۱ - کیوان حسینی، سیداصغر، "مبارزه با تروریسم و سامان بخشی به سیاست خارجی آمریکا"، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۴۰-۴۱ (تهران: پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، صص ۲-۲۳.
- ۳۲ - "گزارش محرمانه سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه"، (۱۳۸۷/۳/۲۲)، <http://hadi.basijnews.ir>، (۱۳۸۷/۳/۲۷).
- ۳۳ - گوردون، فیلیپ، و شاپیرو، جرمی، "آمریکا بازنده جنگ اسرائیل و لبنان بود"، خبرگزاری مهر، (۱۳۸۵/۵/۳۱).
- ۳۴ - "لبنان؛ توطئه خزنده علیه مقاومت و وحدت ملی پس از ناکامی غرب در جنگ ۳۳ روزه" خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۱۰/۵).
- ۳۵ - مرشدی، ارسلان، "صهیونیست‌ها در باتلاق"، روزنامه جام جم، (۱۳۸۵/۱۰/۲۱) ص ۱۰.
- ۳۶ - مهاجر، حمید رضا، (۱۳۸۵/۵/۲۳)، "سرانجام صلاح‌الدین بیدار شد"، <http://asreiran.org/print.php?id=1476>، (۱۳۸۵/۵/۲۴).
- ۳۷ - موسی نافع، بشیر، "لبنان؛ عرب‌ها و دولت عبری پس از قطعنامه ۱۷۰۱"، روزنامه القدس العربی چاپ لندن، به نقل از: مرکز اطلاع رسانی فلسطین، (۲۰۰۶/۸/۱۷).
- ۳۸ - نصر، ولی و تکیه، ری، (۲۹ آذر ۱۳۸۶) "برقراری رابطه، تنها راه مهار ایران"، ترجمه: فراز شهبایی، <http://www.tabnak.ir/pages/?cid=>، (۲۹ آذر ۱۳۸۶).

- ۳۹ - ولی پور زرومی، سیدحسین، "مقاومت حزب‌الله در برابر ویرانگری رژیم صهیونیستی؛ آموزه‌ها و پیامدها"، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۹ (تهران: مرداد ۱۳۸۵).
- ۴۰ - هرش، سیمور، "تغییر جهت"، نشریه نیویورکر، به نقل از: واحد مرکزی خبر (۱۳۸۵/۱۲/۲۶).
- ۴۱ - هاس، ن. ریچارد (۱۳۸۶/۱/۳۰)، "پیشنهادات تحلیلگران شورای روابط خارجی آمریکا"، پژوهشکده مطالعات راهبردی، [www.rissna.ir](http://www.rissna.ir)، (۱۳۸۶/۱/۳۰).
- ۴۲ - یاری، محمود، "سست‌تر از خانه عنکبوت"، هفته‌نامه صبح صادق، شماره ۳۱۱ (مرداد ۱۳۸۶)، ص ۳ و ۸.

### ج) اسناد، مصاحبه و سخنرانی

- ۴۳ - اسد، بشار، رئیس جمهور سوریه، خبرگزاری مهر، "سخنرانی در جمع هیئتی از نمایندگان پارلمان مصر" (۱۳۸۵/۵/۲۳).
- ۴۴ - بولتون، جان، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل، خبرگزاری آسوشیتدپرس، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۸۶/۱/۳).
- ۴۵ - رضایی، محسن، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، [www.ict.gov.ir](http://www.ict.gov.ir)، (۱۳۸۵/۸/۱۵).
- ۴۶ - صباح زنگنه، کارشناس مسائل خاورمیانه، شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران، "ارزیابی سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه"، (۱۳۸۶/۱۰/۱۱).
- ۴۷ - مجتهدزاده، پیروز، استاد دانشگاه و رئیس مؤسسه یوروسویک لندن، گفتگوی خبری شبکه ۲ سیمای جمهوری اسلامی ایران، "تونی بلسر کنار رفتن داوطلبانه یا اجباری" (۱۳۸۶/۲/۲۲).

### د) روزنامه و خبرگزاری

- ۴۸ - خبرگزاری مهر (۱۳۸۵/۸/۲۴، ۱۳۸۵/۴/۲۳، ۱۳۸۵/۵/۳۱، ۱۳۸۵/۷/۱۷، ۱۳۸۵/۷/۲۷، ۱۳۸۵/۱۱/۲۳).
- ۴۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۸۵/۹/۶).
- ۵۰ - روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۸۵/۵/۲۴، ۱۳۸۵/۶/۱۲).
- ۵۱ - نشریه اخبار و تحلیل‌ها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در مجتمع دانشگاهی شهید مطهری بسیج، شماره ۸۲ (۱۳۸۶/۵/۹)، صص ۱ و ۲.
- ۵۲ - نشریه اخبار و تحلیل‌ها، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۲۲۸۹ (۱۳۸۶/۶/۵)، ص ۲.

## English References

### Articles

- 53 - Hersh, Seymour (2006) Washington's interests in Israel's war, August 21, 2006, [http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa\\_fact?Printable=true](http://www.newyorker.com/archive/2006/08/21/060821fa_fact?Printable=true).

### Internet References

- 54 - [http://moqavemat.ir\(20/9/2006\)](http://moqavemat.ir(20/9/2006)).  
55 - [http://moqavemat.ir\(29/5/1385\)](http://moqavemat.ir(29/5/1385)).  
56 - [http://moqavemat.ir/?lang=fa&state=showbody\\_news&row\(21/10/1386\)](http://moqavemat.ir/?lang=fa&state=showbody_news&row(21/10/1386)).  
57 - [http://www.aftabnews.ir/vdcg739akx9uu.html\(26/4/1387\)](http://www.aftabnews.ir/vdcg739akx9uu.html(26/4/1387)).  
58 - [http://www.antiwar.ir\(10/2/1386\)](http://www.antiwar.ir(10/2/1386)).  
59 - [http://www.basirat.ir\(1385/6/4\)](http://www.basirat.ir(1385/6/4)).  
60 - [http://www.basirat.ir\(17/5/1386\)](http://www.basirat.ir(17/5/1386)).  
61 - [http://www.basirat.ir\(20/4/1386\)](http://www.basirat.ir(20/4/1386)).  
62 - [http://www.basirat.ir\(26/5/1386\)](http://www.basirat.ir(26/5/1386)).  
63 - [http://www.basirat.ir\(30/4/1386\)](http://www.basirat.ir(30/4/1386)).  
64 - [http://www.basirat.ir\(4/6/1385\)](http://www.basirat.ir(4/6/1385)).  
65 - [http://www.baztab.com\(18/2/1386\)](http://www.baztab.com(18/2/1386)).  
66 - [http://www.BBCpersian.com\(22/10/1386\)](http://www.BBCpersian.com(22/10/1386)).  
67 - [http://www.BBCpersian.com\(7/5/1386\)](http://www.BBCpersian.com(7/5/1386)).  
68 - [http://www.BBCpersian.com\(8/5/1386\)](http://www.BBCpersian.com(8/5/1386)).  
68 - [http://www.hadi.basirat.ir\(23/1/1386\)](http://www.hadi.basirat.ir(23/1/1386)).  
69 - [http://www.hadi.basirat.ir/Arch/tahlil/860513\(2\).asp\(13/5/1386\)](http://www.hadi.basirat.ir/Arch/tahlil/860513(2).asp(13/5/1386)).  
70 - [http://www.irna.ir\(1385/6/19\)](http://www.irna.ir(1385/6/19)).  
71 - [http://www.kayhannews.ir\(1385/9/26\)](http://www.kayhannews.ir(1385/9/26)).  
72 - [http://www.mehrnews.com\(24/5/1385\)](http://www.mehrnews.com(24/5/1385)).  
73 - [http://www.moqavemat.ir\(1385/9/26\)](http://www.moqavemat.ir(1385/9/26)).  
74 - [http://www.moqavemat.ir\(30/5/1385\)](http://www.moqavemat.ir(30/5/1385)).  
75 - [http://www.ommatnews.ir/?p=893\(6/4/1387\)](http://www.ommatnews.ir/?p=893(6/4/1387)).  
76 - [http://www.political-articles.persianblog.com\(1/1/1386\)](http://www.political-articles.persianblog.com(1/1/1386)).  
77 - [http://www.vijename.ommatnews.com/contents/subjects/33rooze\(13/5/1386\)](http://www.vijename.ommatnews.com/contents/subjects/33rooze(13/5/1386)).

